

بازگشت امید به جامعه محیطزیست

تحلیل کاوه مدنی، معاون سابق سازمان محیطزیست در گفتوگو با «اعتماد» درباره آزادی فعالان محیطزیستی

غزل حضرتی

4 فعال محیطزیستی باقیمانده در زندان، مشمول عفو عید فطر شدند و از زندان آزاد شدند. نیلوفر بیانی، سپیده کاشانی، طاهر قدیریان و هومن جوکار و 5 فعال محیطزیستی دیگر، افرادی بودند که در بهمن 7 سال پیش، توسط نهاد امنیتی بازداشت شدند، ساعتها بازجویی شدند، ماهها در انفرادی ماندند و بعد از گذشت 7 سال مورد عفو قرار گرفتند و رنگ آزادی را دیدند. علی مطهری، نماینده ادوار مجلس، بعد از اعلام خبر عفو فعالان محیطزیستی در واکنش به این اتفاق در توییتی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «عفو چهار فعال محیطزیست که چند سال پیش به جرم جاسوسی زندانی شدند در حالی صورت گرفت که اولاً مدت محکومیت آنها تقریباً تمام شده بود و ثانیاً در همان زمان وزارت اطلاعات که مرجع تخصصی تشخیص جاسوسی است بارها اعلام کرد که اینها جاسوس نیستند.» بهمن 96 بود که بگیر و ببندها شروع شد؛ عده‌ای از فعالان محیطزیستی توسط اطلاعات سپاه بازداشت شدند. اسامی از این قرار بود؛ کاووس سیدامامی، هومن جوکار، سپیده کاشانی، نیلوفر بیانی، مراد طاهباز، امیرحسین خالقی، طاهر قدیریان، عبدالرضا کوهپایه و سام رجبی. کاوه مدنی؛ معاون بین‌الملل سازمان محیطزیست نیز پیش از آنها توسط همین نهاد در حالی که از سفر بازگشته بود، در فرودگاه بازداشت شده بود. اما این همه کسانی نبودند که در آن ماه بازداشت شدند، نزدیک به 55 نفر از فعالان محیطزیست در شهرهای مختلف ایران در بهمن و اسفند ماه 1396 بازداشت شدند. شماری از بازداشت‌شدگان زمستان 1396، از مسوولان و همکاران موسسه «حیات وحش پارسیان» بودند و شماری دیگر از آنها با موسسه «حافظان طبیعت لاوردین» همکاری داشتند. نزدیک به 5 ماه پس از بازداشت این افراد، عیسی کلانتری ریاست وقت سازمان محیطزیست ایران در خرداد 1397 ضمن اینکه اعلام کرد شواهدی علیه این افراد

وجود نداشته، خواستار آزادی فوری آنها شد. کلانتری در مصاحبه‌ای با ایرنا گفته بود «یک کمیته چهار نفره» از دولت به این نتیجه رسیده است که شواهدی علیه این فعالان حیات وحش که به «اتهام جاسوسی» بازداشت شده‌اند، وجود ندارد. آنها بدون ارتکاب به جرم بازداشت شده‌اند. اما نهاد امنیتی بازداشت کننده به واکنش وزارت اطلاعات وقعی نمی‌نهاد و همچنان این فعالان را تحت فشار در انفرادی نگه داشته بود. البته سرنوشت همه افراد بازداشتی به انفرادی، بند و آزادی ختم نشد. در این میان کاووس سیدامامی، مدیرعامل موسسه «حیات وحش میراث پارسیان» در زندان درگذشت. علت مرگ او خودکشی اعلام شد که از سوی خانواده‌اش مورد قبول واقع نشد. دفتر محیطزیست سازمان ملل متحد، سازمان دیده‌بان حقوق بشر، سازمان عفو بین‌الملل نهادهای بین‌المللی بودند که نسبت به وضعیت فعالان محیطزیست اهل ایران واکنش نشان دادند. دفتر محیطزیست سازمان ملل متحد، با انتشار بیانیه‌ای از وضعیت 8 فعال زندانی محیطزیست در ایران ابراز نگرانی کرده است و خواستار برگزاری دادگاهی «منصفانه و مستقل» برای آنان شد. سازمان دیده‌بان حقوق بشر ضمن هشدار نسبت به سرنوشت فعالان ایرانی محیطزیست که در بازداشت به سر می‌برند، خواستار آزادی فوری آنها شد. بنا به اعلام سازمان دیده‌بان حقوق بشر این افراد با اتهاماتی روبرو هستند که می‌تواند منجر به صدور حکم اعدام برای آنها شود. این سازمان از مقامات ایران خواسته است اگر نمی‌توانند شواهد کافی در ارتباط با اتهاماتشان ارائه کنند، آنها را فوراً آزاد کنند. 6 ماه بعد از بازداشت این افراد، سازمان عفو بین‌الملل هم‌زمان با روز جهانی محیطزیست از حکومت و مقامات ایران خواست تا 8 فعال محیطزیست ایران را که در زندان به‌سر می‌برند، سریعاً آزاد کنند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر نیز بیانیه‌ای صادر کرد و خواستار آزادی فوری فعالان محیطزیست زندانی که با گذشت بیش از دو سال بازداشت این کارشناسان محیطزیست هنوز هیچ مدرکی علیه آنها وجود ندارد، شد. بنا بر احکام صادره، مراد طاهباز و نیلوفر بیانی به 10 سال حبس، هومن جوکار و طاهر قدیریان به 8 سال حبس، سام رجبی، سپیده کاشانی و امیرحسین خالقی به 6 سال حبس و عبدالرضا کوهپایه به 4 سال زندان محکوم شدند. عبدالرضا کوهپایه و سام رجبی با پایان دوران محکومیت و امیرحسین خالقی با رای باز از زندان آزاد شدند. مراد طاهباز هم سال گذشته در مبادله‌ای از زندان آزاد شد. افراد بازداشتی همگی در محیطزیست وجهه‌های بین‌المللی داشتند. طاهر قدیریان؛ دانشمند جوان برگزیده سال 2008 یونسکو، نیلوفر بیانی؛ کارشناس دفتر سازمان ملل، هومن جوکار؛ رئیس پروژه بین‌المللی حفاظت از یوز ایرانی، سپیده کاشانی؛ کارشناس نخبه

دانشکده محیطزیست، امیرحسین خالقی؛ فعال برجسته محیطزیست که توانست دامداران مناطق حفاظت شده را راضی کند دام‌های خود را از این مناطق بیرون ببرند، مراد طاهباز؛ تاجری ایرانی دو تابعیتی که سرمایه خود را صرف حفاظت از حیات وحش ایران کرده بود. کاوه مدنی؛ دکترای محیطزیست و معاونت کل ریاست محیطزیست ایران را برعهده داشت. او پیش از این سمت دولتی در ایران، به مدت یک سال نایب‌رییس مجمع محیطزیست سازمان ملل متحد بوده است. همچنین استاد مرکز سیاست محیطزیست کالج سلطنتی لندن (امپریال کالج لندن) نیز بود و در جوامع علمی بین‌المللی به سبب «کمک بنیادی در تلفیق نظریه بازی‌ها و تحلیل تصمیم‌گیری با مدل‌های مدیریت منابع آب» مطرح بود. مدنی پس از خروج از ایران، به عنوان رئیس موسسه آب، محیطزیست و بهداشت دانشگاه سازمان ملل منصوب شد. در گفت‌وگویی که با کاوه مدنی داشتیم، از امیدی سخن گفت که در دل محیطزیستی‌ها ایجاد شده.

خبر آزادی فعالان محیطزیستی همه را خوشحال کرد. با تبریک به شما و همه مردم، از آنجایی که شما هم در این پروژه به نوعی درگیر شده بودید، حستان را درباره این خبر به ما بگویید.

تبریک را بابت این اتفاق خوشایند باید به کل ملت ایران گفت که حالا بعد از این همه سال می‌شود با خیال راحت خوابید، که این ظلم پایان پذیرفته. شاید بشود گفت حتی این امیدی که در حوزه کار در محیطزیست ایران کشته شده بود، به یمن این اتفاق خوب زنده شود، دوباره آدم‌ها بیایند کنار هم، دور از ترس، دور از تهمت و تئوری‌های توطئه کنار هم کار کنند و برای ایران تلاش کنند.

امیدوارم این اتفاق بیفتد و این امید کوچک بیاید در دل مردم جا کند. درباره دوران محکومیت این افراد بگویید. برخی از آنها محکومیت‌شان تمام شده بود، برخی دیگر هم هنوز مانده بود که عفو شدند.

تا جایی که یادم است نیلوفر 10 سال زندان داشت، 6 سال و خرده‌ای‌اش را کشیده بود. هومن و طاهر 8 سال داشتند. سپیده 6 سال. امیرحسین یک‌ماه از محکومیت‌ش مانده بود، با آزادی مشروط بیرون بود. عفو خورده بود. سام هم 6 سال داشت که پیشتر از این آزاد شده بود. آقای طاهباز و نیلوفر اشد مجازات، طولانی‌ترین دوران حبس را گرفته بودند؛ 10 سال. این بچه‌ها بیشتر دوران محکومیت‌شان را کشیده بودند. در ایران البته اینطور است که افراد بعد از مدتی به خاطر رفتار و کردار خوب می‌توانند آزاد شوند، اما در مورد این دوستان

هیچ وقت این حق بهشان داده نشده بود، این آزادی مشروط بهشان داده نشده بود و از آنها دریغ می‌شد. در این مدت که اینها زندان بودند کلی زندانی امنیتی، مالی و اختلاسگر بازداشت شدند، حبس گرفتند و بخشیده شدند، اما متاسفانه این زندانی‌ها همچنان در زندان بودند.

کمی به عقب برگردیم. چه شد که این بچه‌ها به رغم اعلام بی‌گناهی‌شان از سوی وزارت اطلاعات همچنان در بازداشت نگه داشته شدند؟

داستان این است که خیلی از زندانی‌های ما در محکمه عمومی و ذهن مردم ایران بی‌گناه‌اند. اما این زندانی‌ها یک معصومیت و مظلومیت خاصی داشتند. نه فعال سیاسی بودند، نه حرکتی کرده بودند که کسی را در دنیای سیاست برنجانند. اما داستان‌هایی در موردشان بود که کارشناسان می‌دانستند صحت ندارد؛ استفاده از دوربین‌های تله‌ای برای رصد فعالیت‌های موشکی و اتمی ایران که اینها صحت نداشت. اما داستانی که اینها را بغرنج‌تر می‌کند و درد را مضاعف می‌کند این بود که این زندانی‌ها خودشان نمی‌دانند چرا دستگیر شدند؟ چرا حکم برایشان صادر شد؟ اگر کیفرخواست را مطالعه کنید، می‌بینید که هیچ داستان واقعی وجود ندارد، هیچ محتوایی وجود ندارد که بابتش این احکام صادر شود. اما من فکر می‌کنم حتی برعکس این ماجرا را ببینیم؛ به جای اینکه ببینیم وزارت اطلاعات گفت اینها جاسوس نیستند و کاری نکردند و چرا آنها را نگه داشتند، باید بگوییم احتمالاً همین دلیل که یک نهاد امنیتی آمد و بر بی‌گناهی اینها صحه گذاشت، گروه دیگر امنیتی نمی‌خواست پا پس بکشد و اعتراف به اشتباه بکند. این یکی از دلایلی است که این قضیه طولانی‌تر شد.

جریان چه بود که ناگهان روی فعالان محیط‌زیستی زوم شد؟ چه شد که توجه و تمرکز رفت روی مقوله محیط‌زیست؟ از خود شما گرفته تا 7 نفر باقی. عده‌ای تحلیل می‌کردند می‌خواهند محیط‌زیست امنیتی شود تا کسی در این حوزه جرات نکند کار کند. تحلیل شما چیست؟

سخت است در مورد رفتارهای غیرمنطقی تحلیل ارائه کردن. بخشی‌اش به خاطر جهل است، به خاطر عدم آشنایی با فضای تخصصی است. یکسری افراد در مورد حرف بنده که در مورد مشکلات آبی ایران بود را تئوری توطئه می‌دانستند و بعد از چند سال خودشان آنها را مثل طوطی تکرار کردند و فراموش کردند یک‌نفر دیگر چند سال پیش این حرف‌ها را می‌زد و آن زمان دلش برای ایران می‌سوخت. ما خودمان در اولین مصاحبه‌ای که با شما در سال 93 داشتیم، در مورد مشکلات سدسازی صحبت کردیم؛ با تیر سدسازی‌های کنونی جنایت است، آن موقع این هشدارها داده

شد، دیدیم سالها بعد چه اتفاقاتی بری ایران افتاد و همه آن نظریات افراد غیرکارشناس و امنیتی که می‌گفتند ایران مشکل آب ندارد و در ترسالی به سر می‌برد و بارندگی‌ها در آینده بیشتر خواهد شد، حرفهایشان غلط از آب درآمد. نه تنها این پایان کار نبود که آمدند تهمت زدند که کاوه مدنی و مرحوم کاووس سیدامامی در حوزه آب مشاوره غلط می‌دادند که منجر به انتقال آب و سدسازی شد. یکسری دروغ هم گذاشتند رویش، اما فکر می‌کنم درکش سخت است. اما حوزه محیطزیست هم باید تنبیه امنیتی می‌شد، اگر نگاه کنید به رفتارهای نهادهای امنیتی می‌بینید هر حوزه‌ای که فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد را داریم، این اتفاق افتاده. حوزه کاری‌اش و موضوعش فرقی نمی‌کند. در هر حوزه‌ای باید زهرچشمی گرفته می‌شد. در این حوزه قرعه به نام این افراد و من افتاد. ببینید آیا می‌توانیم توجیهی برای اتفاقی که برای جمعیت امام علی افتاد بیاوریم؟ توجیهی برای اتفاقی که برای بعضی فعالان حوزه کسب و کار افتاد بیاوریم؟ خیلی قابل توجیه نیست. محیطزیست، حوزه‌ای است که به شدت وحدت‌زاست، حوزه امنی بود، افراد ناراحتی و خشمشان را در این حوزه ابراز می‌کردند، هزینه ابراز خشم و ناراحتی پایین‌تر بود، وحدت‌زایی‌اش یکی از عوامل نگرانی برای دستگاه امنیتی بود. از سوی دیگر دشمنان ایران هم در این حوزه فعال بودند؛ نتانیا هو در مورد آب و محیطزیست ایران حرف زده، امریکا اظهارنظر کرده. اما واقعیت این است که درک این رفتار خیلی سخت است که چرا این کار را کردند، تیشه به ریشه خودشان زدند. سیستم انتخاب کرده که به چاپلوسان فرصت‌طلب بیشتر بها بدهد، چون آن حرفی را می‌زنند که سیستم بیشتر دوست دارد. فراموش نکنیم در مورد این بچه‌ها، این موضوع صادق نیست. این بچه‌ها هیچ وقت نه گله‌ای کردند، نه غری زدند، نه به حکومت تاختند، نه به سازمان محیطزیست انتقاد کردند. داشتند کارشان را می‌کردند، دست به کار بودند، در طبیعت داشتند کارشان را می‌کردند، اما اینها هم در امان نبودند.

درمورد بازتاب جهانی این اتفاق صحبت کنیم. سال 96 بعد از انتشار خبر دستگیری بچه‌های محیطزیست، بازتاب جهانی این موضوع چه بود؟ شما در آن زمان معاون بین‌الملل رییس سازمان بودید.

یک آبروریزی در سطح جهانی بود. به خصوص که هیچ موقع ثابت نشد که این بچه‌ها کاری کرده‌اند. حتی حرفهایی که از زبان مسوولان گفته می‌شد و به انگلیسی ترجمه می‌شد و در رسانه‌ها منتشر می‌شد؛ اینکه این بچه‌ها با دوربین‌های تله‌ای فعالیت موشکی را رصد می‌کردند،

خنده‌دار است، یا اینکه با نمونه‌برداری از مارمولک توانسته بودند فعالیت رادیواکتیو را رصد کنند. خیلی از این حرف‌ها به خاطر تخیلی بودن و خنده‌دار بودنشان باعث آبروریزی بودند، آن هم برای ایرانی که در منطقه در زمینه هوشیاری محیط‌زیستی یک سر و گردن بالاتر از کشورهای دیگر است. ایران در زمینه بیداری محیط‌زیستی با کشورهای افغانستان، پاکستان، عراق و سوریه قابل مقایسه نیست. این قضیه خیلی دردناک بود. علاوه بر این اینکه روی گروهی دست گذاشته بودند که خیلی شناخته شده بودند. در زمینه حیات وحش افراد شناخته شده، وطن پرست و دلسوزی بودند که سابقه معتبر داشتند. اینکه به آنها این تهمتها زده می‌شد، ترسناک بود. عملاً توضیح این خیلی سخت بود. در آن زمان علاوه بر اینکه خودم تحت فشارهای زیادی بودم، مشکلات داشتم، یکسری بلا داشت سرم می‌آمد که خیلی‌ها از آن بی‌خبر بودند، اما در مواجهه با دیپلمات‌های خارجی نهادهای بین‌المللی، همیشه در مورد این بچه‌ها از زمان دستگیری تا استعفا که با دولت کار می‌کردم، در مورد اینها صحبت می‌شد. هیچ چیزی آدم نداشت جز تاسف خوردن و سر تکان دادن. هیچ وقت ما نفهمیدیم چه شد. خود بچه‌ها هم نفهمیدند چه شد. مثل آواری بود که از آسمان بیاید؛ حتی نفهمیدیم دلیلش چیست. حتی آزادی‌شان هم در آن فضای گنگ اتفاق افتاد. الان فقط می‌شود خوشحال بود، اما آبی که ریخته شده قطعاً باز نخواهد گشت.

6 سال از عمر این بچه‌ها در زندان گذشت، روایت‌هایی که از آنها آمد و به گوش مردم رسید، حتی شنیدنشان هم سخت و طاقت‌فرسا بود و مو به تن آدم سیخ می‌کرد. بعد از آن سر گذراندن انفرادی‌ها و دوران حبس، آیا شما فکر می‌کنید این افراد بعد از آزادی می‌خواهند به کار در طبیعت و فعالیت در حوزه محیط‌زیست بازگردند؟

نه می‌خواهم حدس بزنم، نه می‌خواهم نسخه‌ای بی‌چم. این انتخاب شخصی این عزیزان است. این افراد بابت دلسوزی‌شان برای ایران و محیط‌زیست ناسزا و تهمت شنیدند، شکنجه روحی روانی شدند، حبس کشیدند، خودشان و خانواده‌هایشان اذیت شدند. یک مدت نیاز دارند دور باشند از همه چیز. البته می‌دانم اینها مرخصی هم که می‌آمدند دلشان نمی‌آمد به طبیعت نروند. اما باید بهشان زمان داد و حق انتخاب که چگونه می‌خواهند زندگی کنند. اما شناختی که ازشان داریم این است که باز هم این افراد پر امید برای محیط‌زیست تلاش می‌کنند. در زندان هم که بودند، چه در بخش مردانه و چه زنانه، داشتند فعالیت می‌کردند برای محیط‌زیست آموزش می‌دادند. زندانیانی که بیرون می‌آمدند،

می‌گفتند چقدر ازشان یاد گرفتند. این افراد از بقیه متفاوت بودند؛ مرام و منش‌شان، دغدغه‌هایشان. حتی می‌خواهم بگویم که در زندان هم کنشگر محیط‌زیست بودند. ادامه دادند. بعید می‌دانم بتوانند از این فعالیت‌ها دست بکشند. امیدوارم همیشه موفق باشند و الگو بشوند، بهشان میدان داده شود تا امید را در دل محیط‌زیستی‌هایی که از سال 96 به این طرف دلسرد و دلسردتر شدند، زنده نگه دارند.

اگر اشتباه نکنم شما اولین نفری بودید که در این میان بازداشت شده بودید. چه زمانی دستگیر شدید و ماجرا به چه شکل گذشت؟

من 25 شهریور ۱۳۹۶ حکم گرفتم، بامداد 28 شهریور من رسیدم ایران، در گیت گذرنامه فرودگاه، یک گروه که بعداً مشخص شد از اطلاعات سپاه بوده من را بدون حکم قضایی بازداشت کرد. عملیات عجیب و غریبی بود. یک سری افراد داشتند در همان فرودگاه، همه وسایل من و لپ‌تاپ و موبایل و اینها را بردند. چندین ساعت در بازداشت‌شان بودم تا اینکه دولت بتواند من را نجات بدهد. از آنجا دعوای امنیتی شروع شد. یک مدت بعد با اینکه من به خاطر مسوولیت امور بین الملل باید سفر خارجی می‌رفتم، من را ممنوع‌الخروج کرده بودند، همسرم را هم همین‌طور که هیچ ربطی به حوزه محیط زیست، جز وصلت با من نداشت. بعد بچه‌های محیط زیستی دستگیر شدند. 21 بهمن یک خبرنگار خبر فوت آقای سیدامامی را به ما داد و 22 بهمن خبر فوت ایشان و دستگیری من توسط یک نماینده مجلس علنی شد. دهم فروردین، موقعی که عکس‌هایی که از ایمیل من برداشته بودند را پخش کردند، دیگر فهمیدم برای این گروه هیچ چیز جز حذف و دستگیری من مهم نیست و در این راه به هر روش غیر اخلاقی و غیرقانونی متوسل می‌شوند. داستانش این بود 10 فروردین، من سفر دیپلماتیک در تایلند بودم، جلسه‌ای برایم در تایلند روی گرد و غبار پیش آمد، بلیتم را عوض کردم پرواز دوم به جای بانکوک - تهران می‌رفت بانکوک - استان بول - تهران. در استان بول دیدم عکس‌های ایمیل من را منتشر کرده‌اند. فهمیدم تمام است و دیگر سوار پرواز تهران نشدم. اعلام شده بود من در مالزی مشغول عیش و نوش و بزم بودم در حالی که من تایلند درگیر تلاش برای حل مشکلات گرد و غبار بودم. اگر به تهران آمده بودم، نمی‌دانم چه می‌شد. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، شاید امروز آزاد می‌شدم. با آن‌همه دروغی که درباره اهداف من و تابعیت مضاعف من گفته بودند (با اینکه من تا امروز هم فقط تابعیت ایرانی دارم)، نمی‌دانم چه بر سرم می‌آوردند. کلی از تندروهایی که به من تهمت زده بودند، بعداً آمدند طلب حلالیت کردند. می‌گفتند به ما این اطلاعات را داده بودند که شما ضدکشاوری

و دوتابعیتی و جاسوس هستی، برخی بعدا که خودشان بازداشت شدند یا مشکلات مشابه برای عزیزانشان پیش آمد، تاره فهمیدند در مملکت چه خبر است و چه بلایی سر محیط زیستیها آمده است.

منبع: روزنامه اعتماد 25 فروردین 1403 خورشیدی